





# جریان شناسی تفسیر علمی

مؤلف:

شادی نفیسی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تابستان ۱۳۹۷

نفیسی، شادی، ۱۳۴۴-  
جریان‌شناسی تفسیر علمی قرآن / شادی نفیسی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.  
نوزده، ۲۹۸ص. - (قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۴۲: قرآن پژوهی؛ ۴۶)  
بها: ۱۹۰۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.  
کتابنامه. ص. [۲۷۹] - ۲۸۹: همچنین به صورت زیرنویس.  
۱. تفسیر. ۲. Qur'an — Criticism, interpretation, etc. ۳. تفسیر قرآن با قرآن ۴. Koran — Commentaries  
by the koran. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.  
BP۹۱/۵/ن/۴۱۳۹۶ ج۴  
شماره کتابشناسی ملی  
۲۹۷/۱۷۱  
۵۱۲۲۲۰۵  
ISBN : 978-600-298-210-0



### جریان‌شناسی تفسیر علمی قرآن

مؤلف: شادی نفیسی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسگری

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۷

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu



جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری

این کتاب در ذیل طرح کلان ملی نقد و بررسی جریان‌های تفسیری قرآن کریم، در سیزدهمین جلسه  
شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۴ به تصویب رسیده است.



## سخن نخست

در جهان امروز، پیشرفت و توسعه بر مبنای علم و فناوری استوار شده و پژوهش از مهم‌ترین پیشران‌های توسعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به حساب می‌آید و توفیق پایدار در این زمینه‌ها در صورتی محقق می‌شود که در برنامه‌ریزی‌های هدفمند و کلان، توجه مناسبی به امر پژوهش و توسعه بر مبنای علم و فناوری صورت پذیرد.

در این میان اما حوزه علوم انسانی به دلیل نقش کلیدی و تأثیرگذار آن در زیرساخت‌های فکری فرهنگی جامعه اهمیتی درخور دارد؛ این اهمیت در نظام متکی بر اندیشه اسلامی به دلیل غنا و عمق آموزه‌های دینی نسبت به نیازهای گوناگون انسانی مضاعف به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر قرآن کریم به مثابه کتاب هدایت الهی انسان و جامعه و منبع نخست معرفت دینی، همواره برای اندیشمندان دین‌باور و جستجوگر گنج‌نامه‌ای سرشار بوده و جریان‌های گونه‌گون تفسیری در جغرافیای عالم اسلام، هر یک از منظری به دنبال کشف و ارائه ابعاد هدایتی آن بوده‌اند. مجموعه این تجربه‌های تفسیری به‌رغم اختلافات، امروزه به مثابه رنگین‌کمانی ارزشمند از شیوه‌های فهم و شناخت ابعاد هدایت قرآنی رخ می‌نماید. شکی نیست که در پاسخ به نیازها و پرسش‌های عصری و به دلیل ماهیت فزاینده معرفت و هدایت قرآنی، می‌توان و باید مستند به منطق اجتهادی و قابل دفاع تفسیر، تجربه‌های گذشته را بازخوانی کرد. طبعاً تفسیر ضابطه‌مند قرآن کریم نرم‌افزاری ارزنده برای تولید علوم انسانی اسلامی خواهد بود.

در این راستا شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری پروژه های علمی خاصی را مورد حمایت قرار داده است که طرح کلان نقد و بررسی جریان های تفسیری با اجرای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه از آن جمله بوده است. محصول این طرح اکنون پس از سال ها پژوهش از سوی جمعی از محققان قرآن پژوه به جامعه علمی تقدیم می شود که در اینجا از عموم دست اندرکاران تولید آن در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دیگر استادان ارجمند که در تألیف و ارزیابی آن نقش داشته اند، قدردانی می شود.

دبیر کل شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی در زمینه مطالعات قرآنی برای دانشجویان رشته‌های علوم قرآنی و تفسیر در مقطع تحصیلات تکمیلی فراهم شده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، سرکار خانم دکتر شادی نفیسی و نیز از ارزیابان محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی‌راد و حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی ایازی سپاسگزاری کند.

همچنین از نقش حمایتی شورای عالی عتف به‌ویژه سروران معزز کمیسیون علوم انسانی، معارف اسلامی و هنر از این پروژه در قالب طرح کلان ملی نقد و بررسی جریان‌های تفسیری و نیز پیگیری‌های مجدّانه مدیران محترم گروه قرآن‌پژوهی در طول سال‌های اخیر، حضرات آقایان دکتر محمدباقر سعیدی روشن، دکتر محمد اسعدی و دکتر سید محمود طیب حسینی قدردانی می‌شود.

تقدیم به پدر و مادر عزیزم،

که شوق دانستن راد من برانگیختند،

شجاعت خردورزیدن را به من آموختند،

و باتلاش هماره شان مرا الگو بوده اند.



## فهرست مطالب

|   |                                       |
|---|---------------------------------------|
| ۱ | .....مقدمه حجت الاسلام دکتر مهدوی راد |
| ۵ | .....پیشگفتار                         |
| ۶ | .....معرفی اجمالی کتاب                |

### بخش اول: مباحث مقدماتی

|    |                                                        |
|----|--------------------------------------------------------|
| ۱۳ | .....۱. مفاهیم                                         |
| ۱۳ | .....— تفسیر علمی                                      |
| ۱۵ | .....مؤلفه‌های تعریف                                   |
| ۱۹ | .....— اعجاز علمی                                      |
| ۱۹ | .....— مفسر علمی                                       |
| ۲۰ | .....— مبانی تفسیر                                     |
| ۲۰ | .....— روش تفسیر                                       |
| ۲۱ | .....— قواعد تفسیر                                     |
| ۲۱ | .....— آسیب                                            |
| ۲۱ | .....— جریان‌شناسی تفسیر                               |
| ۲۲ | .....۲. آیات ناظر به طبیعت و هستی در قرآن              |
| ۲۳ | .....الف) دعوت کلی و اجمالی                            |
| ۲۳ | .....ب) دعوت جزئی و مشخص                               |
| ۲۴ | .....شمار آیات علمی و علل اختلاف در آنها               |
| ۲۵ | .....انواع طبقه‌بندی آیات علمی                         |
| ۲۶ | .....۱. به لحاظ موضوعات                                |
| ۲۷ | .....۲. به لحاظ ساختار شکلی مطرح شدن آنها در آیات قرآن |
| ۲۸ | .....۳. به لحاظ بسامد در قرآن                          |
| ۲۹ | .....۳. پیشینه تفسیر علمی در میان گذشتگان              |
| ۲۹ | .....تفسیر علمی در عرصه نظریه‌پردازی                   |
| ۳۰ | .....الف) موافقان                                      |

|    |                                  |
|----|----------------------------------|
| ۳۰ | غزالی (م. ۵۰۵).....              |
| ۳۱ | زرکشی (م. ۷۹۴).....              |
| ۳۱ | سیوطی (م. ۹۱۱).....              |
| ۳۲ | ب) مخالفان.....                  |
| ۳۳ | تفسیر علمی در عرصه تفسیرها.....  |
| ۳۴ | فخر رازی (م. ۶۰۶ق).....          |
| ۳۶ | تفسیر علمی در عرصه غیرتفسیر..... |
| ۳۶ | اخوان الصفا (قرن ۴).....         |
| ۳۷ | فلاسفه.....                      |

### بخش دوم: تفسیر علمی در دوره معاصر

|    |                                                                                               |
|----|-----------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۴۳ | ۱. زمینه‌های شکل‌گیری تفسیر علمی.....                                                         |
| ۴۴ | پیشینه بحث.....                                                                               |
| ۴۷ | الف) زمینه‌های عام.....                                                                       |
| ۴۷ | ۱ و ۲. آگاهی از پیشرفت چشمگیر غرب و توجه به ضعف و عقب‌افتادگی جوامع اسلامی از قافله تمدن..... |
| ۵۰ | ب) زمینه‌های خاص.....                                                                         |
| ۵۱ | ۳. تأثیر پذیری از نحله‌های فلسفی و فکری در غرب.....                                           |
| ۵۶ | ۴. آگاهی از مباحث کلام جدید.....                                                              |
| ۵۸ | ۵. نقدهای مستقیم مستشرقان به اسلام.....                                                       |
| ۶۰ | ۶. گسترش و عمومی شدن اطلاعات علمی در جامعه.....                                               |
| ۶۵ | ۲. مواجهه با تفسیر علمی: چالش میان موافقان و مخالفان.....                                     |
| ۶۶ | دسته اول: موافقان تفسیر علمی.....                                                             |
| ۶۷ | الف) متخصصان دغدغه‌مند.....                                                                   |
| ۶۸ | ب) حوزویان عصری.....                                                                          |
| ۷۰ | دسته دوم: مخالفان تفسیر علمی.....                                                             |
| ۷۰ | الف) طرفداران سبک بیانی.....                                                                  |
| ۷۱ | ب) سلفیان.....                                                                                |
| ۷۲ | ج) خاورشناسان.....                                                                            |
| ۷۳ | موارد اختلافی.....                                                                            |
| ۷۳ | رشید رضا (م. ۱۳۵۴ق).....                                                                      |
| ۷۴ | سید قطب (م. ۱۳۷۸ق).....                                                                       |
| ۷۴ | علامه طباطبایی (م. ۱۳۶۰ش/ ۱۴۰۲ق).....                                                         |
| ۷۵ | ۳. معرفی نگاشته‌ها در تفسیر علمی.....                                                         |
| ۷۷ | معرفی کلی.....                                                                                |
| ۷۷ | ۱. به لحاظ نوع کتاب‌ها.....                                                                   |
| ۸۱ | ۲. به لحاظ تخصص نویسندگان.....                                                                |
| ۸۱ | ۳. به لحاظ انگیزه.....                                                                        |

|     |                                           |
|-----|-------------------------------------------|
| ۸۱  | الف) انتقال آموزه‌های علمی.....           |
| ۸۲  | ب) اثبات اعجاز علمی قرآن.....             |
| ۸۳  | ج) رفع شبهه تعارض علم و دین.....          |
| ۸۴  | ۴. به لحاظ اعتبار.....                    |
| ۸۴  | معرفی تفصیلی آثار خاص.....                |
| ۸۵  | الف) تفسیر الجواهر.....                   |
| ۸۷  | الف) زیاده‌روی در ارائه مطالب علمی.....   |
| ۹۰  | ب) علم‌گرایی.....                         |
| ۹۱  | ج) عدم آگاهی کافی به علم.....             |
| ۹۱  | د) رویه شباهت‌یابی.....                   |
| ۹۴  | ب) تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان..... |
| ۹۹  | ج) باد و باران در قرآن.....               |
| ۱۰۴ | د) عهدین، قرآن و علم.....                 |

### بخش سوم: مبانی اختصاصی تفسیر علمی

|     |                                                          |
|-----|----------------------------------------------------------|
| ۱۱۳ | مسائل مفسران علمی.....                                   |
| ۱۱۴ | محور اول: قلمرو علم و قرآن.....                          |
| ۱۱۵ | ۱. اشتراک قلمرو علم و قرآن در برخی مباحث.....            |
| ۱۱۶ | ۲. اشتمال قرآن بر همه علوم.....                          |
| ۱۱۸ | نقد.....                                                 |
| ۱۱۸ | نقد دلالت آیات.....                                      |
| ۱۱۸ | جهت اول، مقام، مقام قرآن نیست.....                       |
| ۱۱۹ | جهت دوم، مبین بودن در حوزه هدایت.....                    |
| ۱۲۱ | روایات.....                                              |
| ۱۲۱ | دلالت روایات.....                                        |
| ۱۲۱ | توجیه نظری اشتمال قرآن بر همه علوم.....                  |
| ۱۲۳ | نقد.....                                                 |
| ۱۲۴ | توجیه مصداقی.....                                        |
| ۱۲۶ | محور دوم: ارتباط قرآن و علم.....                         |
| ۱۲۷ | ۳. یکی بودن کتاب تشریع و تکوین: عدم تعارض علم و دین..... |
| ۱۲۸ | محور سوم: مخاطب قرآن.....                                |
| ۱۲۸ | ۴. عمومیت خطاب قرآن.....                                 |
| ۱۲۹ | محور چهارم: هدف قرآن از طرح مباحث علمی.....              |
| ۱۳۰ | ۵. انگیزش بشر به شناخت هستی با طرح چالش برانگیز آن.....  |
| ۱۳۱ | ۶. قرآن، کتاب علم.....                                   |
| ۱۳۳ | ۷. پرداختن استطرادی قرآن به مطالب علمی.....              |
| ۱۳۳ | نقد کتاب علم بودن قرآن.....                              |

|                                                                                        |     |
|----------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| محور پنجم: قلمرو مشترک زبان علم و قرآن در بیان مطالب علمی در بازنمایی واقعیت هستی..... | ۱۳۶ |
| ۸. معرفت‌بخش بودن زبان قرآن.....                                                       | ۱۳۶ |
| نقد.....                                                                               | ۱۳۷ |
| جواب نقد.....                                                                          | ۱۳۸ |
| ۹. فراتر بودن زبان قرآن از افق فهم معاصران عصر نزول.....                               | ۱۴۰ |
| نقد: فراتر نبودن معنای آیات از فهم معاصران نزول.....                                   | ۱۴۲ |
| الف) برتری معاصران نسبت به مخاطبان اولیه در فهم قرآن (فهم معیار).....                  | ۱۴۲ |
| ب) بلاغت قرآن: ناتوانی در انتقال پیام.....                                             | ۱۴۳ |
| ج) سخن گفتن قرآن به لسان قوم.....                                                      | ۱۴۵ |
| جواب نقد.....                                                                          | ۱۴۸ |
| الف) نقد تقریر اول: فهم صحابه، فهم معیار.....                                          | ۱۴۸ |
| نکته اول، علم کامل معصومان (علیهم السلام) و عدم انتقال آن.....                         | ۱۴۸ |
| نکته دوم، محدودیت فهم در صورت انتقال این مفاهیم به مخاطبان.....                        | ۱۴۹ |
| نکته سوم، فقدان دلیل بر معیار بودن فهم صحابه از قرآن.....                              | ۱۴۹ |
| ب) نقد تقریر دوم: بلاغت قرآن.....                                                      | ۱۵۰ |
| نکته اول، نقد مستندات قرآنی.....                                                       | ۱۵۰ |
| نکته دوم، بررسی میزان فهم مخاطب از پیام در انتقال موفق آن.....                         | ۱۵۱ |
| موضوع اول، عدم آگاهی صحابه و تابعین نسبت به بخش‌هایی از قرآن.....                      | ۱۵۲ |
| موضوع دوم، ضرورت آگاهی به کدام بخش‌های پیام.....                                       | ۱۵۴ |
| الف) اشاره به پدیده‌های طبیعی به عنوان مقدمه یک استدلال.....                           | ۱۵۵ |
| ب) اشاره به پدیده‌های طبیعی به عنوان یک اطلاع جدید.....                                | ۱۵۵ |
| — دسته اول: کلماتی با ساخت فرهنگی.....                                                 | ۱۵۸ |
| مورد اول: مذکر و مؤنث بودن پدیده‌ها.....                                               | ۱۵۹ |
| مورد دوم: جن زدگی.....                                                                 | ۱۵۹ |
| مورد سوم: قلب، مرکز فهم.....                                                           | ۱۶۰ |
| — دسته دوم: توصیف پدیده‌ها با توجه ظاهر محسوس آنها.....                                | ۱۶۲ |
| مورد اول: حرکت ماه در پی خورشید.....                                                   | ۱۶۲ |
| مورد دوم: آسمان سقف و زمین کف.....                                                     | ۱۶۲ |
| مورد سوم: غروب خورشید در چشمه‌ای گل آلود.....                                          | ۱۶۳ |
| — دسته سوم: موارد مبهم.....                                                            | ۱۶۴ |
| مورد اول: هفت آسمان.....                                                               | ۱۶۴ |
| مورد دوم: برج‌های آسمان و شهاب.....                                                    | ۱۶۵ |
| محور ششم: اعتبار علم برای مستند تفسیر قرآن واقع شدن.....                               | ۱۶۶ |
| ۱۰. واقع‌نمایی علم.....                                                                | ۱۶۷ |
| دیدگاه مفسران علمی در خصوص واقع‌نمایی علم.....                                         | ۱۶۸ |
| ۱. طبقه‌بندی نشدن اطلاعات علمی.....                                                    | ۱۶۸ |
| ۲. دسته‌بندی مطالب علمی.....                                                           | ۱۶۹ |

|                                                                 |     |
|-----------------------------------------------------------------|-----|
| الف) حقایق علمی و نظریات علمی.....                              | ۱۶۹ |
| ب) علم مورد تأکید قرآن و غیر آن.....                            | ۱۷۰ |
| نقد ارزیابی علم به محک قرآن.....                                | ۱۷۱ |
| نقد واقع‌نمایی علم.....                                         | ۱۷۱ |
| پاسخ نقد.....                                                   | ۱۷۲ |
| محور هفتم: ضرورت تفسیر علمی.....                                | ۱۷۳ |
| ۱۱. دقیق‌تر بودن فهم علمی از آیه.....                           | ۱۷۳ |
| ۱۲. اعجاز علمی ضرورتی در اثبات حقانیت قرآن در عصر حاضر.....     | ۱۷۶ |
| نقد.....                                                        | ۱۷۷ |
| ۱۳. وحدت طریق ایمان با طریق علم.....                            | ۱۷۸ |
| محور هشتم: نوع دلالت آیات هستی‌شناختی قرآن.....                 | ۱۷۹ |
| ۱۴. نبودن تفاوت در دلالت میان آیات هستی‌شناختی با غیر آنها..... | ۱۷۹ |
| ۱۵. اشاره تلویحی به علم.....                                    | ۱۸۰ |
| ۱۶. تفسیر علمی یکی از دلالت‌های آیه.....                        | ۱۸۱ |

#### بخش چهارم: قواعد تفسیر علمی و آسیب‌های ناشی از رعایت نشدن آنها

|                                                              |     |
|--------------------------------------------------------------|-----|
| الف) قواعد ناظر به استفاده از قرآن.....                      | ۱۸۷ |
| ۱. گردآوری همه آیات یک موضوع.....                            | ۱۸۷ |
| الف) رعایت ضوابط جمع میان آیات.....                          | ۱۸۸ |
| ب) عدم تعارض با آیات دیگر.....                               | ۱۸۹ |
| ۲. دلالت آیه.....                                            | ۱۸۹ |
| — رعایت معنای لغت.....                                       | ۱۹۰ |
| — رعایت سیاق.....                                            | ۱۹۰ |
| — رعایت قواعد به مجاز رفتن.....                              | ۱۹۱ |
| — توجه به معانی متعدد.....                                   | ۱۹۱ |
| — توجه به معانی متعدد علمی.....                              | ۱۹۲ |
| ۳. تفسیر نکردن معجزات به علم.....                            | ۱۹۲ |
| ۴. تعارض نداشتن با سنت.....                                  | ۱۹۲ |
| ۵. توجه به آرای مفسران پیشین.....                            | ۱۹۳ |
| ۶. آسیب‌های رعایت نکردن قواعد ناظر به تفسیر قرآن.....        | ۱۹۳ |
| الف. گردآوری نشدن همه آیات یک موضوع.....                     | ۱۹۴ |
| ب. دلالت نداشتن واژه یا عبارتی از آیه بر معنای مورد نظر..... | ۱۹۴ |
| ج. توجه نکردن به سیاق آیات.....                              | ۱۹۸ |
| ب) قواعد ناظر به استفاده از علم تجربی.....                   | ۲۰۰ |
| ۱. استفاده از حقایق علمی.....                                | ۲۰۰ |
| ۲. استفاده مشروط از انواع مطالب علمی.....                    | ۲۰۱ |
| ۳. انتخاب نظریه‌های علمی با توجه به سازگاری با آیات.....     | ۲۰۲ |

|     |                                                                    |
|-----|--------------------------------------------------------------------|
| ۲۰۲ | ب) آسیب‌های رعایت نکردن قواعد استفاده از علم                       |
| ۲۰۳ | تطبیق نظریه‌های ثابت نشده علمی بر قرآن                             |
| ۲۰۵ | ج) قواعد ناظر به روش طرح مطلب                                      |
| ۲۰۶ | آسیب‌های رعایت نکردن قواعد روش طرح مطلب                            |
| ۲۰۶ | ۱. بی‌فایده بودن اطلاعات علمی و ارتباط نداشتن آن با آیات تفسیر شده |
| ۲۰۷ | ۲. زیاده‌روی در طرح بحث اعجاز علمی                                 |
| ۲۰۹ | د) موارد فراتر از قواعد روشی                                       |
| ۲۱۰ | ۱. آگاهی مفسر به علم تجربی و تفسیر                                 |
| ۲۱۰ | ۲. پرهیز از متهم کردن مفسران پیشین به عدم فهم                      |
| ۲۱۰ | ۳. موارد متفرقه                                                    |
| ۲۱۱ | آسیب‌های ناظر به ناآگاهی مفسر از علم تجربی                         |
| ۲۱۱ | تطبیق مطالب غیرعلمی بر قرآن با تصور علمی بودن آنها                 |
| ۲۱۲ | داوری‌های کلی                                                      |

### بخش پنجم: دستاوردهای مثبت و پیامدهای منفی معرفتی و فرامعرفتی

|     |                                      |
|-----|--------------------------------------|
| ۲۱۹ | دستاوردهای مثبت                      |
| ۲۱۹ | دستاوردهای مثبت معرفتی               |
| ۲۱۹ | الف) فهم دقیق‌تر آیات                |
| ۲۱۹ | ۱. تبیین مفهوم مفردات آیه            |
| ۲۱۹ | تبیین معنای کلمه                     |
| ۲۲۰ | توسعه معنای کلمه                     |
| ۲۲۱ | تضییق معنای کلمه                     |
| ۲۲۲ | ترجیح یکی از معانی کلمه              |
| ۲۲۲ | ۲. تبیین مفهوم گزاره‌ها              |
| ۲۲۳ | تبیین مفهوم عبارت                    |
| ۲۲۴ | تبیین وجه شبه                        |
| ۲۲۵ | تبیین وجه تقسیم                      |
| ۲۲۶ | تبیین چگونگی                         |
| ۲۲۶ | تبیین علت اختصاص به ذکر              |
| ۲۲۸ | تبیین نسبت (حرمت)                    |
| ۲۲۸ | ترجیح یکی از معانی گزاره             |
| ۲۲۹ | ۳. تعیین مصداق‌ها                    |
| ۲۳۰ | ۴. نزدیک ساختن حقایق دینی به ذهن بشر |
| ۲۳۱ | ب) تصحیح برداشت‌های پیشین            |
| ۲۳۳ | ج) طرح احتمال‌های جدید               |
| ۲۳۴ | د) اثبات اعجاز علمی قرآن             |
| ۲۳۵ | ۱. پذیرش یا انکار اعجاز علمی         |

|     |                                                                |
|-----|----------------------------------------------------------------|
| ۲۳۵ | پرسش اول: آیا می‌توان اعجاز علمی داشت؟                         |
| ۲۳۵ | نقد                                                            |
| ۲۳۸ | ۲. مؤلفه‌های اعجاز علمی                                        |
| ۲۳۸ | دیدگاه اول: نگاه حداکثری، اعجاز به صرف برخورداری از تبیین علمی |
| ۲۳۹ | دیدگاه دوم: نگاه حداقلی، اعجاز در بیان صریح یک حقیقت علمی      |
| ۲۴۲ | دیدگاه سوم: اعجاز به شیوه بیان قرآن                            |
| ۲۴۵ | ۳. بررسی نمونه‌ها                                              |
| ۲۴۶ | گسترش جهان                                                     |
| ۲۴۷ | جاذبه عمومی                                                    |
| ۲۴۸ | تطور جنین                                                      |
| ۲۵۰ | ب) دستاورد فرامعرفتی مثبت                                      |
| ۲۵۰ | تقویت ایمان و اعتماد به نفس مسلمانان                           |
| ۲۵۲ | پیامدهای منفی                                                  |
| ۲۵۲ | پیامدهای منفی معرفتی                                           |
| ۲۵۳ | ۱. غیب‌زدایی                                                   |
| ۲۵۳ | قیامت                                                          |
| ۲۵۵ | وحی                                                            |
| ۲۵۶ | امور خارق‌العاده                                               |
| ۲۵۸ | جن، شیطان و ملائکه                                             |
| ۲۵۹ | ۲. تشنیت آرا                                                   |
| ۲۶۰ | پیامدهای منفی فرامعرفتی                                        |
| ۲۶۰ | ۱. دور شدن از هدف تربیتی قرآن                                  |
| ۲۶۲ | ۲. زمان‌مند ساختن تفسیر قرآن                                   |
| ۲۶۵ | ۳. عیب‌جویی از گذشتگان                                         |
| ۲۶۷ | ۴. ایجاد توهّم دسترسی به علت احکام                             |
| ۲۶۸ | ۵. تقدس‌زدایی از اعمال عبادی                                   |
| ۲۶۹ | خاتمه                                                          |

### منابع و مأخذ

|     |              |
|-----|--------------|
| ۲۷۹ | فارسی و عربی |
| ۲۸۹ | منابع لاتین  |

### نمایه‌ها

|     |                |
|-----|----------------|
| ۲۹۰ | نمایه آیات     |
| ۲۹۵ | نمایه روایات   |
| ۲۹۶ | نمایه اشخاص    |
| ۲۹۸ | نمایه اصطلاحات |



## مقدمه حجت الاسلام دکتر مهدوی راد

تفسیر قرآن کریم، در جهت تبیین مراد خداوند سبحان و پرده برگیری از درون مایه های آیات و هویدا کردن رازها و رمزهای لایه های آیات الهی از همان روزگاران نخست نزول آیات چهره نمود. خداوند سبحان همان گونه که ابلاغ آیات الهی را بر عهده رسول الله ﷺ نهاده بود، تبیین، توضیح و هویدا ساختن ابعاد آیات الهی را نیز از آن بزرگوار خواسته بود: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل، ۴۴). بدین سان، تفسیر با تبیین ها، توضیح و روشنگری درباره مصداق ها از سوی رسول الله ﷺ و نیز پاسخ های گونه گون پرسش های صحابیان آغاز شد و دامن گشود. بدین سان رسول الله ﷺ بنیادگذار تفسیر قرآن کریم است که در موارد فراوانی ابهام ها را زدود و معانی دقیق واژه ها را برکشید و محتوای استوار آیات را فراز آورد و با روشنگری درباره محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید آیات و هویدا ساختن درون مایه های تعبیر نو و ترکیب های تازه، تفسیر آیات الهی را سامان بخشید.<sup>۱</sup> پس از آن، به روزگاران صحابه تفسیر آیات الهی گسترده تر گشت و با شکل گیری مدارس تفسیر در دوره تابعان زمینه ها و بسترهای تدوین مجموعه هایی از تفاسیر رقم خورد.<sup>۲</sup> باری، در گذرگاه زمان، اندک اندک، جامعه اسلامی با گسترش فتوحات اسلامی با جوامع دیگر در آمیخت و زمینه های شکل گیری اندیشه های گونه گون فراهم آمد و تفسیر کتاب الهی از محدوده نقل محض گزارش احادیث و آثار در ذیل آیات و کمابیش توضیح ها و تحلیل های ادبی، تاریخی و گاه

---

۱. برای نمونه، ر.ک: مهدوی راد، «تفسیر در عصر پیامبر» آفاق تفسیر، ص ۲۴-۶۰؛ الدوری، تفسیر القرآن الکریم و السنة النبویه؛ محمد ابوعمر، السنة النبویه و علاقتها بتفسیر القرآن الکریم.

۲. برای نمونه، ر.ک: مهدوی راد، همان جا و پژوهش گسترده دکتر محمد بن عبدالله خضیری در تفسیر التابعین و نیز: العمرانی، موسوعة مدرسة مكة فی التفسیر و ... .

فقهی فراتر رفت و تفسیر با رویکردها و دیدگاه‌ها و مواضع مختلف، چهره‌های مختلفی یافت. در روزگار معاصر و در محدوده زمانی اندکی کمتر از یک قرن، عالمان، محققان و متفکران اسلامی جریان‌های شکل گرفته در تمدن اسلامی، زمینه‌ها، بسترها، علل و دلائل شکل‌گیری آنها را به بحث و فحص نهادند و آثاری جامع یا مفرد درباره رویکردها (= مدارس، اتجاهات، مکاتب و...) رقم زدند که با همه فرازاها و فرودها، کمبودها و کفایت‌ها خواندنی و تأمل‌کردنی است؛ بحث و بررسی درباره تفاسیر فقهی، کلامی، عرفانی، ادبی، فلسفی، اجتماعی و سیاسی ....

در میان رویکردها به تفسیر آیات الهی از جمله می‌توان از «تفسیر علمی» یاد کرد با پیشینه‌ای دراز آهنگ. محققان و مؤلفان و کوشندگان در شناخت جریان‌ها و رویکردها در تعریف «تفسیر علمی» یک داستان نیستند<sup>۱</sup> و نیز چنین است نام‌گذاری این جریان. برخی، از این رویکرد به «عقلی» و برخی دیگر به «عقلی اجتماعی» و برخی به «علمی» یاد کرده‌اند. در مصادیق نیز گاه آمیختگی و آشفتگی پیداست.<sup>۲</sup> برخی تعریف‌ها به لحاظ ارزش‌گذاری و نگرش اعتقادی و برخی دیگر به جهت عدم دقت و آمیختن هدف با انگیزه و گاه انگیزه‌خوانی‌های ناهنجار و...، از تعریف استوار بازمانده‌اند.<sup>۳</sup> سالیان سال پیش، این بنده به روزگارانی که هنوز این‌گونه پژوهش‌ها فراوان نبودند، و در این حوزه مطالعاتی جدی صورت نگرفته بود، با توضیح و تحلیل تقریباً مفصل به این نتیجه رسیدم که تفسیر علمی می‌تواند دوگونه باشد، یا بهتر در واقع صادق سامان‌دهندگان میراث مکتوب با این سمت و سوی دوگونه چهره بسته است:

۱. تلاش برای نشان دادن همسویی معارف قرآنی و آموزه‌های آیات الهی با برآیند دانش بشری؛
۲. با تکیه و تأکید بر روش تجربی نوعی غیب‌زدایی از معارف ماورائی و تعالیم معنوی؛<sup>۴</sup> که برای هر دو این‌گونه نگرش زمینه‌ها و نمونه‌های بس‌دیرین توان یافت.

این پیشینه را به‌ویژه در گونه اول آن نگارنده ارجمند کتاب مورد بحث به استواری و درستی و ارائه نمونه‌هایی کاویده و چگونگی آن را در عرصه‌های نظریه‌پردازی، تفسیر و میراث مکتوب غیرتفسیری بررسیده است.<sup>۵</sup> اما گونه دوم آن شاید چنان پنداشته شود که بسی نوآیین است و به

۱. ر.ک: همین کتاب، ذیل تعریف تفسیر علمی.

۲. برای نمونه ر.ک: حسن عباس، التفسیر و المفسرون: اساسیاته و اتجاهاته و مناهجه فی العصر الحديث،

ج ۲، فصل اول و دوم. ر.ک: همان‌جا.

۴. مهدوی‌راد، «تفسیر، آغاز و تطور آن»، مجله حوزه، ش ۱۶ ص ۸۲ به بعد.

۵. همین کتاب ص ۳۰ به بعد (بخش اول، پیشینه تفسیر علمی، تفسیر علمی در عرصه نظریه‌پردازی، موافقان).

مَثَل باید در آثار کسانی چون سرسید احمدخان جستجو کرد که به‌ویژه از همین زاویه به شدت با مقابله تند سید جمال‌الدین اسدآبادی مواجه شد.<sup>۱</sup>

یادآوری کنم که گویا ایشان با توجه به چه و چه‌های ذهنی و گاه ناتوانی از دریافت ژرفای پدیده‌های الهی، هماره به چنین دیدگاه‌هایی روی آورده است. مقدسی در اثر گرانمایه خود به چنین دیدگاه‌هایی اشاره کرده و از جمله آورده است: کسانی بر این پندار رفته‌اند که مراد از «ناقه»، در داستان حضرت صالح (علیه السلام)، دلائل استوار و حجت‌های محکم بود که «صالح» با آنها بر خصم چیره می‌شد.<sup>۲</sup>

باری، تأمل کردن در چگونگی این جریان‌ها، زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری رویکردها به دانش و پژوهش و از این رهگذر دستیابی به براینده کشش‌ها و کوشش‌های عالمان و متفکران شکوهمند است و ارجمند و درنگریستی و نیوشیدنی. ... و این کتاب:

آنچه به اختصار آوردم چونان درآمدی است برای سخنی کوتاه درباره کتاب ارجمند نقد و بررسی جریان تفسیر علمی قرآن. سرکار خانم دکتر نفیسی، اکنون بیش از دو دهه است که از جمله دل‌مشغولی‌های جدی و پژوهشی‌اش درنگریستن به «نگاه علمی» به میراث مکتوب تمدن اسلامی است. از آن سال‌ها که رساله کارشناسی ارشد خود را با عنوان «عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم» سامان دادند و عملاً با رویکرد تحلیلی نگرش مفسران به دانش و روش تجربی؛ و به‌کارگیری علم در تفسیر آیات پژوهش را سامان دادند، تا به امروز فراوان خوانده‌اند، تدریس کرده‌اند و در موضوع یادشده درنگریسته‌اند و... وی نتایج پژوهش‌های آغازین خود را نخستین بار در قامت مقاله‌ای بلند، با عنوان «تفسیر علمی: بایدها و نبایدها» رقم زدند که در مجله آینه پژوهش (۷۱-۷۲) مجال نشر یافت و با استقبال عالمان و محققان مواجه شد.

از آن پس، پژوهش سرکار خانم دکتر نفیسی ادامه یافت و برخی تأملات وی در قالب مقاله‌هایی نشر یافت. اکنون مجموعه آن پژوهش‌ها با نگرش‌های متفاوت نگارش یافته و در هیئت کتابی نشر می‌یابد. آغازین ویژگی نویسنده سختکوش این مجموعه، «جدی گرفتن دانش و پژوهش» است. فراوان جستجو می‌کند و در داده‌های جستجوهای جدی خود (به زبان‌های عربی، فارسی و انگلیسی)

۱. احمدخان، مجموعه رسائل و مقالات ص ۱۵۳.

۲. مقدسی، البدء و التاريخ، ج ۳، ص ۴۲ و نیز ر.ک: متز، الحضارة الاسلامية في القرن الرابع الهجري، ج ۱، ص ۳۶۸ و ... .

و لوازم آن تأمل می‌کند و از اینکه برآیند پژوهش را با بسیاری به ریزنی بگذارد - حتی با دانشجویانش - تن نمی‌زند و هرگز باری به هر جهت‌گری را پیشه نمی‌سازد. دو دیگر، اینکه در دستیابی به تمام منابع پژوهش از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد. در همین پژوهش پیش رو، همه منابع و مصادری را که امکان دستیابی بدانها بوده است از دیرینه‌ترین آنها تا پژوهش‌های نوآیین را درنور دیده‌اند و با تأمل آنچه را یافته‌اند به دایره نقد ریخته‌اند و سره را از ناسره بازشناسی کرده‌اند.

در این پژوهش، «تفسیر علمی» را به درستی تعریف کرده‌اند و در پرتو نقد تعاریف معمول و مشهور، تعریفی «مقبول» به دست داده‌اند. مبانی کسانی را که به تفسیر علمی پرداخته‌اند بازشناسی کرده و روش آنان را در تبیین و اثبات مدعا کاویده‌اند و نیز قواعدی را که این رویکردها بدانها استوارند و آسیب‌هایی که این نگرش با آنها رویارویند، بررسی کرده‌اند. «آیات علمی» بر پایه آثار موجود و پیشینه این رویکرد و مخالفان و موافقان آن به دقت طبقه‌بندی شده است.

نکته تأمل برانگیز در پژوهش سرکار خانم دکتر نفیسی واکاوی زمینه‌ها و بسترها، دلائل، یا علل این رویکرد است، با تأمل و دقت در آرا و توجه به زمینه‌ها و لوازم دیدگاه‌ها.

بایستگی و نابایستگی تفسیر علمی، شناسایی و شناساندن درون‌مایه‌های آثار نگاشته شده با رویکرد علمی در تفسیر قرآن، حد و حدود اعتبار «علم» به‌عنوان مستند تفسیر آیات و دستاوردهای مثبت و منفی این نگرش از جمله موضوعات و مقولات پژوهش شده در این کتاب هستند.

«جریان‌شناسی تفسیر علمی قرآن» از معدود آثار جدی و دقیق نگاشته شده در این موضوع است. نگارنده کتاب تمام آنچه را یافته به دایره تحلیل، نقد و بررسی نهاده و از هیچ نکته بدون تأمل و درنگریستن نگذشته است.

امیدوارم این پژوهش در مجموعه میراث مکتوب تفسیری-قرآنی و برای آگاهی از جریان تفسیر علمی، بایدها و نبایدهای آن جایگاه شایسته خود را بیابد و به گستره و ژرفایی این دانش یاری رساند و در مسیر رسیدن به آگاهی‌های گسترده در این زمینه، فروغی بیشتر و بیشتر هلد و توفیق از خداوند است.

و الله من وراء القصد

محمدعلی مهدوی‌راد

## پیشگفتار

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ...»  
(علق، ۱-۴).

اینک حدود پانزده قرن از آغاز هنگامه طنین سروش غیبی در فضای غار حرا، می‌گذرد. پانزده قرن است که انسان‌ها با این ندا به تماشای ملکوت آسمان‌ها و آغاز و فرجام جهان به روایتی الهی نشسته‌اند و پانزده قرن است که با جان و دل خود این کتاب الهی را می‌خوانند و به تفسیر آن می‌نشینند. پانزده قرن است که بر این کتاب تفسیر نوشته می‌شود و این نوشته ادامه دارد. گویا هر مفسری آن را سخنی ناگفته و درنیافته، می‌یابد که روی سخنش، دعوتش و پیامش با اوست، و هم اینک از نو او را مخاطب قرار داده و پیش از این کسی آن را فهم نکرده است. بی‌شک در طول تاریخ مکتوبات بشری بر هیچ کتابی به اندازه قرآن شرح و تفسیر نگاشته نشده و هیچ کتابی تا این اندازه، از جهات گوناگون بررسی نشده است. تاریخ تفسیر را باید تاریخ دغدغه‌ها، دل‌مشغولی‌ها، اضطراب‌ها، تنبّه‌ها و تاریخ فکر و اندیشه و ایمان و اعتقاد دانست. این تاریخ همراه با دردها و رنج‌های مسلمانان به گزارش شکست‌ها و موفقیت‌های آنها نشسته است و همراه با فراز و فرود اندیشه‌ها، فراز آمده و فرو نشسته است. تفسیری که در ابتدا با تبیین معصوم (علیه السلام) آغاز شد، با نگاهی ادبی برای رسیدن به فهمی عمیق‌تر تحلیل شد و در پی آن از منظری حقوقی، برای دستورهای زیست فردی و اجتماعی یک مسلمان کاویده شد. ورود دانش فلسفه، رشد اطلاعات علمی و پدیدار شدن روش سلوک عرفانی و صوفیانه، مسلمانی را که دل به این کتاب سپرده بود، بر آن داشت تا با نگاهی دغدغه‌مند و با دلبستگی بدین علوم، در این کتاب بنگرد و پیوندش را با آن موضوعات و ارسی کند. چنین بود که سبک‌ها و روش‌های مختلف تفسیری پدیدار شدند و همچنان پدیدار می‌شوند. روش ادبی، فقهی، فلسفی، عرفانی،

اجتماعی و...، انواع روش‌های تفسیری‌اند که در طی سده‌های متمادی برای فهم بهتر این کتاب الهی ابداع شده‌اند. تفسیر علمی یکی از این روش‌های تفسیری است که در سده‌های اخیر به آن اقبالی گسترده شده است و تفسیرهای متعددی، عموماً با نگاهی موضوعی، این کتاب را برای اطلاعات علمی نهفته در آن بازخوانی کرده‌اند و به زبان‌های مختلف در آن خصوص، قلم زده‌اند. این روش تفسیری در عموم کتاب‌هایی که به‌طور کلی به روش‌های تفسیری پرداخته‌اند، طرح و بررسی شده است. در عین حال، آثار متعددی مستقلاً به بررسی آن اختصاص یافته است. شماری از این آثار با عنوان تفسیر علمی، این روش را تحلیل کرده‌اند که کتاب التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، از ابوحجر و التفسیر العلمی للآیات الکونیة فی القرآن، از احمد حنفی و آثاری با موضوع مشابه از خلیل ابراهیم ابوذیاب، مدحت حافظ ابراهیم و عادل بن علی الشدی و...، در شمار این دست کتاب‌هايند. برخی دیگر نیز با عنوان اعجاز علمی به بررسی آن پرداخته‌اند که الاعجاز العلمی فی القرآن، از السید الجمیلی و مدخل الی دراسة الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم و السنّة النبویة المطهرة، از زغلول النجار و آثاری با موضوع مشابه از سید صلاح الفیومی، حسن حطیط، محمد حسن قنديل، سامی احمد الموصلي، محمد حسنی یوسف و مروان وحید شعبان در شمار این موارد هستند. اما در فارسی، آثاری که مستقلاً به این روش تفسیری پرداخته باشند کمتر دیده می‌شوند. رضایی اصفهانی با سه اثر پژوهشی خود: در اعجاز علمی قرآن و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن و منطق تفسیر قرآن (جلد ۵) از جمله معدود نویسندگان فارسی زبان است که آثاری مستقل در این موضوع نگاشته‌اند.<sup>۱</sup> پژوهش حاضر نیز اقدامی است هرچند اندک در جهت غنا بخشیدن به این عرصه علمی.

## معرفی اجمالی کتاب

کتاب پیش رو، در پنج بخش سامان یافته است:

بخش اول، در مباحث مقدماتی و متشکل از سه مبحث است. نخستین مبحث این بخش به تعریف پنج اصطلاح: تفسیر علمی، مفسر علمی، مبانی تفسیر، روش تفسیر و قواعد تفسیر می‌پردازد؛ مبحث دوم به معرفی کلی از آیات ناظر به طبیعت و هستی در قرآن اختصاص دارد و آخرین مبحث این بخش، بحث از پیشینه تفسیر علمی در میان گذشتگان و گزارش موافقان و

۱. برای اطلاعات کامل کتاب‌شناسی همه آثار یاد شده، به کتاب‌شناسی همین کتاب مراجعه شود.

مخالفان تفسیر علمی به لحاظ نظری و کسانی است که در کتاب‌های تفسیری و غیر آن، این روش تفسیری را دنبال کرده‌اند؛

**بخش دوم،** بررسی تفسیر علمی در دوره معاصر است که، به سه مبحث پرداخته شده است: نخست، زمینه‌های شکل‌گیری تفسیر علمی بررسی شده است و سپس به دسته‌بندی موافقان و مخالفان تفسیر علمی توجه شده و در پایان، با معرفی نگاه‌ها در تفسیر علمی با توصیف کلی از نگاه‌ها و معرفی تفصیلی چهار اثر مهم، این بخش به پایان رسیده است؛

**بخش سوم،** در مبانی اختصاصی تفسیر علمی و نقدهای آن است که پانزده مبنا در هشت محور بررسی شده‌اند. در هر محور مبانی حداقلی و حداکثری گزارش شده و نقدهایی که بر هر کدام از این مبانی مطرح بوده، همراه با جواب آنها، در صورت لزوم، بیان شده‌اند. در برخی محورها مبانی ذکر شده ذیل آن، قابل جمع نیستند و هر یک به نوعی نقد دیدگاه دیگر است؛ اما در برخی محورهای دیگر، همه مبانی قابل جمع‌اند. در مجموع هر مفسر علمی باید دست‌کم به هشت مبنا باور داشته باشد؛

**بخش چهارم،** به قواعد تفسیر علمی و آسیب‌های ناشی از رعایت نشدن آنها اختصاص یافته است. این قواعد در چهار دسته: قواعد ناظر به استفاده از قرآن، قواعد ناظر به استفاده از علم، قواعد ناظر به روش طرح مطالب علمی و موارد فراتر بیان شده‌اند. در هر مورد نیز از ذکر قواعد، به آسیب‌هایی که در نتیجه توجه نکردن به این موارد در تفسیرهای علمی پدید آمده و در نقدهای دیگران منعکس شده‌اند، گزارش شده است. در این فصل، در ذکر قواعد تفسیر علمی، نگاه پیشینی به مبحث تفسیر علمی وجود دارد و به باید‌ها پرداخته است؛

**بخش پنجم،** به بیان دستاوردهای مثبت و پیامدهای منفی تفسیر علمی اختصاص دارد که این موارد را در دو بخش معرفتی و فرامعرفتی بررسی کرده است.

کتاب با خاتمه، که خلاصه‌ای از مباحث همه بخش‌هاست، پایان می‌یابد.

نگاه حاکم بر این پژوهش در بخش مبانی، نگاهی توصیفی و پسینی است؛ بدین معنا که آنچه را مفسران علمی به آن باور دارند حکایت می‌کند. کوشش شده با گزارش نظریات مفسران علمی، باور آنها به این مبانی مستند شود. با این همه، این بخش از داوری و ارزش‌گذاری مستثنا نیست. طرح نقدهایی بر شماری از مبانی، روشن می‌سازد که این تحقیق صرفاً به توصیف نظریات اکتفا نمی‌کند و افزون بر آن به ارزیابی و داوری آنها می‌پردازد. در مبحث قواعد، با نگاه

تجویزی نه به آنچه رعایت شده، بلکه به آنچه باید رعایت شود، بیان شده است. البته این باید‌ها و نباید‌ها عموماً از سوی خود مفسران علمی عنوان شده‌اند.

در اینجا لازم است توضیحی درباره تفاوت کتاب حاضر با فصل هفتم از کتاب آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری،<sup>۱</sup> که به جریان‌شناسی تفسیر علمی و آسیب‌شناسی آن پرداخته بود، داده شود. با توجه به آنکه آن کتاب، حاصل یک پژوهش جمعی در یک طرح کلان بود، تلاش شده بود ساختار مشترکی در تمام بخش‌ها و جریان‌شناسی‌ها رعایت شود. ساختاری که بعضاً بر آن نقد شد.<sup>۲</sup> اما کتاب حاضر، فارغ از چهارچوب پیشین در یک تنظیم جدید ساماندهی شده است. اگرچه بخش‌های محدودی از آن با کار پیشین مشترک است، مانند مبحث زمینه‌های شکل‌گیری تفسیر علمی از بخش دوم و پیامدهای منفی از بخش پنجم، ولی عموم بخش‌های آن، مانند مباحث بخش اول به‌طور کامل و بخش چهارم به جز آسیب‌ها و قسمت‌هایی از بخش دوم و پنجم، کاملاً جدید هستند. مباحثی از آن نیز به‌رغم اشتراک در عنوان، کاملاً تغییر کرده‌اند. بخش سوم ناظر به مبانی اختصاصی تفسیر علمی در شمار این موارد است. پیش از این در کتاب آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، ده مبنا برای تفسیر علمی گزارش شده بود. بحث مبانی در این کتاب، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث آن، اگر نگوییم مهم‌ترین بحث آن، با دقت بررسی و اصلاح شد. تلاش شد تا مبانی ضروری یک مفسر علمی شناسایی شود و در عین حال دیدگاه‌های حداکثری نیز معرفی شود و همه این دیدگاه‌های موازی ذیل یک محور مشترک دسته‌بندی و ارزیابی شوند. برخی موارد حذف و مواردی اضافه شدند، یا توسعه یافتند. اما مهم‌ترین تغییر در چینه این بحث ناظر به بحث آسیب‌هاست که در نتیجه نقدی که به کاربرد واژه و چینه آن عنوان شده بود،<sup>۳</sup> به شیوه دیگری ارائه شد. از عناوین قبلی، آسیب‌های مبنایی، روشی و غائی پرهیز شد. نقدهایی که به مبانی وارد بودند، بسیار فراتر از قبل در ذیل هر مبنا مطرح شدند. نقدهای روشی در بحث از قواعد، ذیل هر دسته قاعده گزارش شد و آسیب‌های غائی، تحت عنوان پیامدهای منفی معرفتی و فرامعرفتی طرح شدند.

۱. این کتاب در دو جلد، زیر نظر دکتر محمد اسعدی تدوین شده است. هر فصل از کتاب، نویسنده مستقلی دارد. فصل هفتم از جلد اول آن، که به تفسیر علمی اختصاص یافته، از سوی نگارنده نوشته شده است.  
 ۲. برای نقد کتاب، ر.ک: جلیلی، «نقدی بر کتاب آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری»، آینه پژوهش، ۳. همان، ص ۲۶-۲۸؛ این مهم‌ترین نقد بر کتاب است.  
 ۳. ۱۲۷، ص ۲۴-۳۰.

در این مجال از همه کسانی که به انجام رساندن این تحقیق یاریم رساندند، سپاسگزارم؛ از استاد گرانقدر و فرهیخته، قرآن پژوه برجسته و حدیث پژوه دغدغه مند جناب حجت الاسلام دکتر محمدعلی مهدوی راد، که به رغم تمام مشغله ها، با مطالعه این پژوهش مرا از راهنمایی ها و تشویق های خود بهره مند ساختند، کمال تشکر را دارم. از جناب دکتر سیدمحمدعلی ایازی که با نظرات و پیشنهادهای ارزشمند خود در ارتقای این تحقیق یاری رساندند، سپاسگزارم. از مدیر محترم گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، جناب حجت الاسلام دکتر محمد اسعدی و کارشناس محترم گروه، جناب حجت الاسلام یوسفی، نهایت سپاس و تشکر را دارم که در طول مدت پژوهش، از کمال همکاری و مساعدت ایشان بهره مند بودم. تلاش های بی دریغ سرکارخانم عاطفه روزبهانی را که در طول این پژوهش در تایپ و آماده سازی نسخه اولیه کتاب مرا یاری کردند، و همچنین از دقت نظر و نکته سنجی ویراستار محترم ادبی و فنی جناب آقای سعیدرضا علی عسگری و همه دست اندرکاران نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که در آماده سازی این اثر، تلاش کردند، کمال تشکر را دارم.

امیدوارم پژوهشی که در این کتاب به جامعه قرآنی عرضه می شود، گامی ناچیز در پیشبرد علمی تفسیر پژوهی باشد. بی شک نواقص و اشکال های آن در پرتو انتقادات و پیشنهادهای همه اندیشمندان، استادان و دانشجویان محترمی که این کتاب را می خوانند، شناسایی و برطرف خواهد شد.

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

